



# گزارش آژانس در مورد موضوعات حال و گذشته برنامه هسته‌ای ایران

مهدی شاپوری\*

## اشاره:

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش نهایی خود در مورد موضوعات گذشته و حال برنامه هسته‌ای ایران را منتشر نمود. این گزارش راه را برای بسته شدن پرونده معروف به «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران هموار نموده و از این جهت، می‌توان در مجموع آن را مثبت ارزیابی کرد. البته برخی ادعاها در آن مطرح شده، که جمهوری اسلامی ایران آنها را اتهام دانسته و غیرقابل قبول خوانده است. در این نوشتار، ضمن پرداختن به این گزارش و بحث‌های مطرح شده پیرامون آن، به تأثیرات و پیامدهای احتمالی این گزارش، به ویژه برای ایران، پرداخته می‌شود.

## مقدمه

شفاف‌سازی و اطمینان دادن به آژانس در مورد ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود صورت داده است.

کشورمان در ابتدا تعلیق موقت را پذیرفت و پروتکل الحاقی را هم به‌طور داوطلبانه اجرا کرد. همچنین ضمن همکاری‌های گسترده با آژانس، اجازه بازرسی‌های وسیعی را به این نهاد داد؛ بازرسی‌هایی که گفته می‌شود در طول حیات آژانس، بی سابقه یا کم سابقه بوده است. به هر حال، آژانس تحت فشار قدرت‌های بزرگ، به ویژه آمریکا، نمی‌توانست پرونده را خاتمه دهد. وضعیت امنیتی بعد از ۱۱ سپتامبر و تلاش‌هایی که آمریکا برای تنبیه کشورهایی مانند ایران انجام می‌داد و همچنین بعضی از کم‌کاری‌ها یا ناآگاهی‌ها، باعث شد مرحله اول تلاش‌های کشورمان برای اعتمادسازی و شفاف‌سازی در مورد برنامه هسته‌ای نتیجه‌ای در بر نداشته باشد. بعد از روی کار آمدن دولت نهم در ایران، همکاری‌های کشورمان با آژانس تا حدودی کاهش یافت. در این مرحله بود که بحث «مطالعات ادعایی» مطرح شد. ایران تلاش زیادی کرد به سوالات آژانس در این مورد پاسخ بدهد و پرونده را ببندد، اما باز هم آژانس در مراحل پایانی کار، مسائل جدیدی را مطرح کرد.

این موضوع، به همراه برخی ناهماهنگی‌ها در ایران موجب شد نتیجه‌ای حاصل نشود و به دنبال آن، قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریم‌های یکجانبه گسترده‌ای علیه ایران وضع گردید. با وجود این، ایران همچنان به همکاری با آژانس در چارچوب پادمان‌های میان

بحث «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران یا همان پی‌ام‌دی، یکی از ریشه‌های اصلی شکل‌گیری و همچنین تداوم تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای ایران در بیش از یک دهه گذشته بوده است. سرآغاز بحث‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران، ادعاها و اتهاماتی مبنی بر احتمال انحراف برنامه هسته‌ای ایران بود که بعدها تحت عنوان «مطالعات ادعایی» و سپس «ابعاد احتمالی نظامی» یا «PMD» مطرح شد. بحث «مطالعات ادعایی» و «ابعاد احتمالی نظامی» مبتنی بر این امر بود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مسائل و ادعاهایی را درباره برنامه هسته‌ای ایران مطرح نموده و از ایران خواسته تا به سوالات آژانس درباره آنها پاسخ دهد. در طول بیش از یک دهه گذشته، آژانس همواره بر این مسئله تأکید کرده که تنها زمانی می‌تواند در مورد برنامه هسته‌ای ایران قضاوت کند که این کشور با آژانس همکاری نموده و شرایط را برای اطمینان‌یابی این نهاد از عدم انحراف در برنامه هسته‌ای اش فراهم نماید. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران همواره آماده همکاری بوده و در مقاطع مختلف، تلاش‌های گسترده‌ای را برای



نشانه معتبری از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله هسته‌ای انفجاری توسط ایران بعد از ۲۰۰۹ ندارد».

بند ۲۴ گزارش نشان می‌دهد که این برآورد آژانس عمدتاً مبتنی بر حدسیات و فرضیات است. در این بند آمده است: «آژانس برآورد می‌کند که قبل از ۲۰۰۳، در ایران یک ساختار سازمانی مناسب برای هماهنگی طیفی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای وجود داشته است. اگرچه برخی فعالیت‌ها بعد از ۲۰۰۳ نیز اتفاق افتاده، اما آنها بخشی از یک تلاش هماهنگ‌شده نبوده است». اینکه به صراحت عنوان شده که یک «ساختار سازمانی مناسب برای هماهنگی طیفی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای وجود داشته»، به این معنی است که هیچ قطعیتی در نظر آژانس در این مورد وجود ندارد. صرف اینکه یک «ساختار سازمانی مناسب» وجود داشته که می‌توانسته است «برای هماهنگی طیفی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای» مورد بهره‌برداری قرار گیرد، نمی‌تواند مبنای محکومیت ایران باشد و صرفاً نوعی اتهام اثبات‌نشده است. بند ۲۶ که به نوعی دیگر تلاش می‌کند ایران را متهم کند نیز دلیل قاطعی ارائه نمی‌کند. در این بند گفته شده: «آژانس نشانه‌هایی از نمونه‌هایی از خریده‌ها و تلاش برای خرید آیت‌هایی در ارتباط با توسعه یک ابزار هسته‌ای انفجاری داشته است. آژانس اطلاعاتی در رابطه با چنین تلاش‌هایی بعد از ۲۰۰۷ ندارد». اینکه آژانس نشانه‌هایی از خریده‌ها و تلاش برای خرید ابزارهای قابل استفاده در ساخت وسیله انفجاری هسته‌ای دارد نیز نمی‌تواند چیز خاصی را اثبات کند.

بند ۲۷ می‌گوید: «ایران بار دیگر تأیید

طرفین، ادامه داد. در سال ۲۰۱۱ آژانس از مسئله «مطالعات ادعایی» یک قدم به جلو برداشت و بحث «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته‌ای ایران را مطرح کرد. از این زمان به بعد، در تمامی گزارش‌های فصلی آژانس در مورد برنامه هسته‌ای ایران، از ایران خواسته شد تا برای روشن شدن مسئله «ابعاد نظامی احتمالی»، با آژانس همکاری کند. بعد از شروع فرآیند مذاکرات گسترده و جدی هسته‌ای در سال ۱۳۹۲، در کنار مذاکرات میان ایران و ۵+۱ همکاری‌های ایران با آژانس نیز وارد مرحله جدیدی شد. ایران با هدف حل مسائل ادعایی آژانس، وارد مذاکره و همکاری جدی با این نهاد شد و در این راستا، توافقاتی میان طرفین برای رفع نگرانی‌ها و ادعاهای آژانس انجام گرفت.

توافق «چارچوبی برای همکاری»<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۳ میان ایران و آژانس صورت گرفت، که طبق آن، ایران به بسیاری از سوالات و مسائل مطرح شده از سوی آژانس پاسخ داد. نقشه‌راهی که در کنار توافق جامع هسته‌ای، میان ایران و آژانس مورد توافق قرار گرفت، شرایط را برای پایان دادن به مسئله «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته‌ای ایران فراهم کرد. جدیدترین گزارش آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران، در این راستاست و به نظر می‌رسد در مجموع مثبت است و به این مسئله ساختگی پایان خواهد داد. در این نوشتار، ضمن پرداختن به ابعاد این گزارش و دیدگاه‌های مطرح شده در این مورد، پیامدهای احتمالی آن، به‌ویژه برای کشورمان، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## گزارش خاکستری آژانس

گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد آنچه این گزارش «موضوعات اصلی گذشته و حال»<sup>۲</sup> برنامه هسته‌ای ایران خوانده بود، روز ۲ نوامبر منتشر شد. در این گزارش که بر اساس تمام اطلاعات مرتبط با پادمان در اختیار آژانس، شامل اطلاعات حاصل شده از طریق اجرای توافق پادمان ان.پی.تی و توافق چارچوبی برای همکاری (میان ایران و آژانس در سال ۲۰۱۳) از جمله نقشه راه و برنامه جامع اقدام مشترک تنظیم شده است، نتیجه‌گیری نهایی به این صورت است: «برآورد آژانس این است که تا قبل از سال ۲۰۰۳ به عنوان یک تلاش هماهنگ، طیفی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک ابزار هسته‌ای انفجاری بوسیله ایران انجام گرفته و بعضی فعالیت‌ها بعد از ۲۰۰۳ اتفاق افتاده است. همچنین ارزیابی آژانس این است که این فعالیت‌ها فراتر از امکان‌سنجی و مطالعات علمی و کسب ظرفیت‌ها و توانایی‌های تکنیکی مرتبط نبوده است. آژانس هیچ

1. Framework for Cooperation
2. Past and Present Outstanding Issues



۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ «ایران به آژانس اطلاع داد که این کشور الزامی فنی برای توسعه فناوری MPI برای یک کاربرد نظامی متعارف داشته، که این نیز مربوط به دهه ۱۹۹۰ است، که البته «عملیاتی کردن» این پروژه در سال ۲۰۰۷ شروع شد». در مورد آزمایش هیدرودینامیک، نتیجه‌گیری آژانس این است که ایران تغییر و تحولاتی در سایت پارچین ایجاد کرده و از این طریق «توان آژانس برای انجام راستی‌آزمایی مؤثر [در این مورد] را به صورت جدی تضعیف نموده است». آژانس دولت‌های عضو را منبع اطلاعات در مورد آزمایش هیدرودینامیک در سایت پارچین، عنوان کرده است. به هر حال، تردیدی وجود ندارد که این اطلاعات از سوی غربی‌ها ارائه شده و با توجه به تخاصم آنها با جمهوری اسلامی، احتمال اینکه آنها اطلاعات غلط به آژانس داده باشند، بسیار بالاست.

درباره مدل‌سازی کامپیوتری انفجار هسته‌ای، آژانس به این نتیجه رسیده است: «بر اساس همه اطلاعات در دسترس آژانس، شامل اطلاعات حاصل شده از اجرای نقشه راه، برآورد آژانس این است که ایران قبل از ۲۰۰۴ و بین ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ مدل‌سازی رایانه‌ای یک وسیله انفجاری هسته‌ای را انجام داده است. با این حال آژانس به ماهیت ناقص و پراکنده این محاسبات توجه نشان می‌دهد. آژانس همچنین به کاربرد برخی مدل‌سازی‌های هیدرودینامیک برای وسیله‌های انفجاری نظامی متعارف توجه دارد». در مورد مدل‌سازی انفجار هسته‌ای هم استدلال‌های آژانس قانع‌کننده نیست و چیزی را اثبات نمی‌کند. منابع اطلاعات آژانس در این مورد عبارتند از: ۱- دولت‌های عضو؛ ۲- برخی نشریات و تحقیقات علمی انجام شده توسط محققان دانشگاهی ایران. اینها نیز مستند نیست و نمی‌تواند مبنای محکومیت ایران باشد. در بحث آغازگرهای نوترونی<sup>۲</sup> و ادعاهای آژانس مبنی بر فعالیت‌های ایران در راستای شوک نوترونی، در جریان جلسه کارشناسی فنی میان ایران و آژانس، ایران «عنوان کرده که هیچ فعالیتی، اعم از عملی یا نظری، مربوط به منابع نوترونی با منشأ شوک<sup>۳</sup> را انجام نداده است».

همچنین در جمع‌بندی آژانس در مورد این موضوع، گفته شده: «در جریان بازدید فنی از یک مؤسسه در ایران در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۱۵، ایران توانمندی‌های تحقیقاتی نوترون در آن مؤسسه را به آژانس نشان داده است». پس در این مورد نیز ایران ضمن تکذیب آزمایش شوک نوترونی، توانمندی‌های تحقیقاتی نوترونی را رسماً با آژانس در میان گذاشته است. در گزارش آژانس همچنین آمده است که بنا بر اطلاعات یک دولت عضو، «ایران ممکن است در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳

کرد، همان‌طور که آژانس نیز احراز نموده، که اگرچه این کشور بررسی‌هایی در مورد خرید یک دوربین مخصوص با سرعت بالا صورت داده، این دوربین برای هدفی متعارف بوده و نهایتاً، ایران این خرید را صورت نداده است». این نمونه‌ای از فرضیات و حدسیات آژانس بود که در نهایت مشخص شد، درست نبوده است و صرفاً حدس و گمان بوده و به احتمال زیاد ناشی از اطلاعات غلطی بود که به آژانس داده شده است. در مورد بحث «چاشنی‌های انفجاری» که یکی از موضوعات مورد تأکید آژانس بود، در نهایت این گونه نتیجه‌گیری شده است: «آژانس چنین ارزیابی می‌نماید که چاشنی‌های EBW تولیدی توسط ایران دارای مختصاتی هستند که به ابزار انفجاری هسته‌ای مربوط می‌شود. آژانس تصدیق می‌نماید که روند رو به رشد استفاده از چاشنی‌های انفجاری EBW برای مصارف غیرنظامی و نظامی متعارف وجود دارد». در اینجا نیز آژانس نتوانسته است دلیل قاطعی برای اثبات اینکه چاشنی‌های انفجاری صرفاً برای کاربرد در سلاح هسته‌ای ساخته شده‌اند، ارائه کند و اعتراف کرده که این چاشنی‌ها به‌طور روزافزونی در مصارف غیرنظامی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

درباره تکنولوژی موسوم به آغازگر چندنقطه‌ای<sup>۱</sup> نیز ارزیابی آژانس این بوده که «آژانس ارزیابی می‌کند که فناوری MPI توسعه یافته توسط ایران، ویژگی‌های مربوط به یک وسیله انفجاری بعلاوه شمار کوچکی از کاربردهای جایگزین را دارد». در این زمینه نیز آژانس نتوانسته به‌طور قطعی چیزی را اثبات کند، چون فناوری آغازگر چندنقطه‌ای می‌تواند کارکردهای دیگری هم داشته باشد. در بند ۴۴ هم آمده که در جریان گفتگوهای

2. Neutron initiator  
3. shock-driven neutron sources

1. multipoint initiation



آزمایش‌های مقدماتی مربوط به آزمایش یک وسیله انفجاری هسته‌ای را برنامه‌ریزی کرده و انجام داده باشد». این مورد نیز هم مبتنی بر حدس و گمان و هم بر اساس اطلاعات یک دولت عضو است که احتمال غلط بودن آن بسیار زیاد است. درباره تلاش ایران برای آزمایش اینکه چگونه می‌توان کلاهک هسته‌ای روی موشک قرار داد، عنوان شده است که ایران به آژانس، اجازه بازدید از دو کارگاهی که در مطالعات ادعایی به آن‌ها اشاره شده را داده است. در نهایت نتیجه‌گیری آژانس این است: «آژانس وجود دو کارگاه مورد اشاره در اسناد مطالعات ادعایی در ایران را راستی آزمائی نمود ولی هیچ‌گونه اطلاعات بیشتری را در این زمینه، از زمان ارائه ضمیمه ۲۰۱۱ میلادی، دریافت نکرده است». به هر حال، آژانس در این زمینه نیز نتوانست چیزی را اثبات نماید. در بحث «سیستم فتیله‌گذاری، مسلح‌سازی و آتش‌زنی»، عنوان شده است: «اطلاعات در اختیار آژانس از اسناد مطالعات ادعایی نشان می‌دهد که ایران تعدادی از گزینه‌های فنی برای سیستم فتیله‌گذاری، مسلح‌سازی و آتش‌زنی را مورد ملاحظه قرار داده که تضمین می‌کند کلاهک کروی موشک جدید شهاب ۳ تا زمان رسیدن وسیله به هدف، سالم مانده و پس از آن، صحیح عمل کند». همچنین در این مورد گفته شده که «آژانس از زمان ارائه ضمیمه سال ۲۰۱۱ میلادی، اطلاعات بیشتری در این زمینه دریافت نکرده است».

به هر حال، بر اساس «تحلیل همه اطلاعات در دسترس آژانس در ارتباط با هر یک از ۱۲ حوزه مندرج در ضمیمه سال ۲۰۱۱ میلادی [گزارش آژانس]»، آژانس در نهایت به این نتیجه رسیده است: «آژانس نشانه‌های معتبری از انحراف مواد هسته‌ای در ارتباط با ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران پیدا نکرده است». این نوع جمع‌بندی، چیزی است که از همان ابتدا از آژانس انتظار می‌رفت. در واقع قرار نبود گزارشی سیاه یا سفید در مورد موضوعات گذشته و حال برنامه هسته‌ای ایران ارائه شود. حتی اگر واقعیت چیزی غیر از آنچه آژانس ادعا کرد بدست آورده است، می‌بود، باز هم گزارش باید به گونه‌ای تنظیم می‌شد که برنده و بازنده‌ای نداشته باشد. در حقیقت گزارش باید نشان می‌داد که در طول بیش از یک دهه گذشته، ایران احتمالاً اقدامات پنهانی و خلافی صورت داده است و تنبیه این کشور توسط شورای امنیت و قدرت‌های بزرگ از طریق تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی، مشروعیت داشته است. در مقابل، نباید لحن گزارش به اندازه‌ای تند می‌بود که به توافق جامع ضربه بزند. برای آمریکا، به عنوان طرف اصلی بحث هسته‌ای ایران، گزارش

موضوعات گذشته و حال برنامه هسته‌ای صرفاً چنین کارکردی داشت. شاهد عینی این موضوع نیز سخنان جان کری، وزیر امور خارجه این کشور، قبل از دور آخر مذاکراتی که به توافق جامع انجامید، است.

کری در آن زمان گفته بود: «ما بر آن چیزی که ایران در گذشته انجام داده، متمرکز نیستیم. ما شکی نداریم و مطمئن هستیم که آنها چه برنامه‌های نظامی داشتند. اما الان برای ما این مهم است که به آینده نگاه کنیم». وی اخیراً نیز بار دیگر همین موضوع را تکرار کرد و گفت که «جلوگیری از تولید سلاح هسته‌ای توسط دولت ایران در آینده، از موضوع ابعاد نظامی ابهام‌آمیز فعالیت‌های اتمی گذشته بسیار مهم‌تر است». اینکه با وجود این، چرا باز هم بر بحث «ابعاد احتمالی نظامی» یا «موضوعات گذشته و حال» تأکید شد، به نظر می‌رسد عمدتاً به خاطر این بوده که پرونده «مطالعات ادعایی» و «ابعاد نظامی احتمالی» بخش عمده یا حتی می‌توان گفت بخش اصلی مناقشه یا تنش بر سر برنامه هسته‌ای ایران در بیش از یک دهه گذشته بود و بالاخره باید تکلیف آن مشخص می‌شد. نادیده گرفتن کلی آن، و جهت‌کسانی که ایران را متهم به تولید سلاح هسته‌ای کرده و تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی گسترده‌ای در بیش از یک دهه گذشته بر آن تحمیل کرده‌اند و نیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به عنوان نهاد یا رژیم بین‌المللی اصلی در حوزه هسته‌ای را خدشه‌دار می‌کرد.

از طرف دیگر، برای جمهوری اسلامی ایران نیز باز ماندن پرونده «ابعاد احتمالی نظامی» یا «موضوعات گذشته و حال»، با توجه به غیرقابل اعتماد و اطمینان بودن رفتار طرف مقابل، گزینه مناسبی نبود و بستن آن به هر طریقی، بهتر از باز ماندن آن بود. بستن پرونده «ابعاد احتمالی

1. Fuzing, arming and firing system

انتظار تصویب نهایی آن توسط ۳۵ عضو شورای حکام است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این قطعنامه با اجماع آرای اعضای شورای حکام تصویب گردد. آنچه در پیش‌نویس قطعنامه مذکور آمده، در مجموع مثبت است. یکی از بندهای این پیش‌نویس اعلام می‌دارد: «همه فعالیت‌ها در نقشه راه برای روشن ساختن موضوعات باقیمانده گذشته و حال مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، طبق برنامه زمانی توافق‌شده، انجام گرفته و این امر، رسیدگی به این دستور کار توسط شورای حکام را خاتمه می‌دهد». با وجود این، در بند پایانی این پیش‌نویس، نوعی تناقض به چشم می‌خورد. طبق این بند، شورای حکام «تصمیم می‌گیرد تا ۱۰ سال بعد از روز قبول برجام، یا تا تاریخی که مدیر کل گزارش بدهد که آژانس به نتیجه‌گیری گسترده‌تر در مورد ایران رسیده است (هر کدام زودتر اتفاق بیفتد) این موضوع را در دستور کار داشته باشد».

اگر منظور از «این موضوع»، «موضوعات حال و گذشته» یا «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران باشد، تناقض وجود دارد. ولی اگر منظور این باشد که پرونده ایران در دستور کار شورای حکام باقی می‌ماند، مسئله متفاوت است. نکته مهمی که در اینجا وجود دارد، این است که بحث بسته شدن پرونده «ابعاد احتمالی نظامی» یا «موضوعات حال و گذشته» برنامه هسته‌ای ایران را نباید با بسته شدن کامل پرونده ایران در شورای حکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشتباه گرفت. در واقع قرار نیست با این قطعنامه، پرونده ایران در آژانس یا شورای حکام بسته شود، بلکه صرفاً رسیدگی به مسئله «ابعاد احتمالی نظامی» یا «موضوعات حال و گذشته» خاتمه می‌یابد. در یکی از بندهای پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام، از دبیر کل آژانس خواسته شده است که «قبل از هر جلسه فصلی عادی شورای حکام و تا زمانی که شورای حکام رسیدگی به موضوع ایران را خاتمه نداده است، گزارش مکتوبی در مورد اجرای تعهدات برجامی ایران و موضوعاتی که مرتبط با راستی‌آزمایی و نظارت در ایران در پرتو قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌شود را ارائه نماید و بعد از آن نیز قبل از هر جلسه فصلی عادی شورای حکام، گزارش‌های مکتوب بروزرسانی راجع به اجرای تعهدات مربوطه ایران بر وفق تعهدات برجام ارائه دهد، مگر اینکه شورا به گونه دیگری تصمیم بگیرد».

نکته مهم دیگری که در پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام وجود دارد، این است که طبق یکی از بندهای آن، مفاد تمامی قطعنامه‌های پیشین شورای حکام در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران فیصله خواهد یافت.

نظامی» یا «موضوعات گذشته و حال» به هر دو طرف این امکان را می‌دهد که مباحث و اقدامات گذشته را در جایی خاتمه داده و بر آینده و اجرای توافق جامع متمرکز شوند.

## واکنش‌ها به گزارش آژانس

گزارش آژانس در مورد «موضوعات گذشته و حال» یا «ابعاد احتمالی» برنامه هسته‌ای ایران، همان‌گونه که عنوان شد، نه سیاه است و نه سفید؛ یعنی به گونه‌ای تنظیم شده که دو طرف بتوانند برای اثبات ادعاهای خود، به آن استناد کنند. ایران اعلام کرده که این گزارش، صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را تأیید نموده و حقانیت ایران را در جدال بیش از یک دهه گذشته اثبات می‌کند. طرف مقابل، آمریکا و متحدانش نیز به قسمتی از گزارش که ادعا می‌کند قبل از ۲۰۰۳ جمهوری اسلامی ایران تلاش‌هایی در زمینه توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای صورت داده و برخی از این تلاش‌ها تا ۲۰۰۹ نیز ادامه پیدا کرده، استناد می‌کنند و از آن برای اثبات حقانیت و درستی ادعاهای گذشته خویش استفاده می‌کنند. به هر حال، این ناشی از ماهیت دوگانه گزارش است. انتظار هم می‌رفت که گزارش آژانس به این شکل و در چنین فضایی باشد.

## قطعنامه شورای حکام

طبق توافقات صورت گرفته میان ایران و ۵+۱ و ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قرار است بعد از اینکه آژانس، گزارش نهایی خود در مورد «موضوعات حال و گذشته» یا «ابعاد احتمالی نظامی» را ارائه کرد، شورای حکام آژانس طی قطعنامه‌ای، پایان بررسی این موضوع در دستور کار این شورا را اعلام کند. پیش‌نویس این قطعنامه منتشر شده و در



## پیامدهای گزارش آژانس و قطعنامه شورای حکام

گزارش نهایی آژانس در مورد «موضوعات حال و گذشته» یا «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران، یکی از مراحل مهم در روند اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است. البته جمهوری اسلامی ایران، بسته شدن این موضوع در شورای حکام را یکی از شروط اصلی اجرای برجام عنوان کرده و به همین منظور، تا کنون از فراهم نمودن دو شرط اجرای برجام، یعنی انتقال اورانیوم غنی شده و تغییرات در راکتور اراک، خودداری کرده است. در نامه رهبر معظم انقلاب به رئیس جمهور درباره الزامات اجرای برجام، این مسئله به صراحت عنوان شده است. در نامه مذکور آمده است که نوسازی راکتور اراک و معامله اورانیوم غنی شده، «تنها هنگامی آغاز خواهد شد که آژانس، پایان پرونده موضوعات حال و گذشته یا PMD را اعلام نماید». پس اولین و مهم‌ترین نتیجه گزارش آژانس و قطعنامه شورای حکام، فراهم شدن شرایط برای اجرای برجام خواهد بود. اجرای برجام، طبیعتاً به نفع همه طرفین آن خواهد بود. هم جمهوری اسلامی از زیر فشار تحریم‌های شدید سال‌های گذشته خارج می‌شود و هم طرف مقابل به آن چیزی که ادعا می‌کند، یعنی اطمینان یافتن از عدم انحراف برنامه هسته‌ای ایران، دست می‌یابد.

پیامد دیگر گزارش آژانس، بسته شدن بحث «موضوعات حال و گذشته» یا «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران است. این مسئله، جمهوری اسلامی ایران را از مظان اتهام خارج می‌کند و این خود دستاورد بزرگی است. موضوع پی‌ام‌دی برای ایران هزینه‌های زیادی در بر داشته است. در واقع ریشه همه تهدیدها و فشارها علیه ایران در بحث هسته‌ای طی بیش از یک دهه گذشته، همین اتهامات در مورد «ابعاد احتمالی نظامی» بوده است. در چنین شرایطی، مشخص است که بسته شدن چنین پرونده‌ای، به نفع جمهوری اسلامی ایران است. در نتیجه گیری گزارش آژانس آمده است: «آژانس نشانه‌های معتبری از انحراف مواد هسته‌ای در ارتباط با ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران نیافته است». این نکته علاوه بر اینکه بحث پی‌ام‌دی را فیصله می‌دهد، صحت گفتار و رفتار جمهوری اسلامی در رابطه با صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای خویش را نیز تأیید می‌کند. البته گزارش آژانس، در مواردی دوپهلوی، متناقض و مبهم است و راه را برای تفسیرهای مختلف می‌گشاید که این می‌تواند در آینده مسائلی را ایجاد کند. البته باید توجه داشت که طرفین برجام، اراده نسبتاً بالایی برای اجرای این توافق دارند و به همین دلیل، می‌توان خوشبین بود. اساس توافق جامع بر بازی برد-برد یا بده-بستان است. اگر در آینده، یکی از طرفین بخواهد توافق را بر هم بزند، طرف مقابل هم همین امکان را خواهد داشت. وجود امکان رفتار متقابل یا تلافی، باعث می‌شود طرفین محتاطانه و به موازات

یکدیگر پیش روند.

برخی معتقدند متن گزارش آژانس و قطعنامه شورای حکام باید به گونه‌ای تدوین می‌شد که امکان سوءاستفاده از آن در آینده کمتر باشد. این نکته هر چند تا حدود بسیار زیادی درست است، اما باید توجه داشت که در اجرای توافق جامع، هیچ اجباری وجود ندارد و در واقع اصل رفتار متقابل یا تلافی، مبنای کار طرفین است. اگر یکی از طرفین نخواهد توافق را اجرا کند یا اینکه در میانه راه بخواهد توافق را برهم زند، کار دشواری پیش رو ندارد. در واقع طرف ناراضی می‌تواند به هر بهانه‌ای، توافق را اجرا نکند. پس هر چند متن گزارش آژانس و قطعنامه شورای حکام مهم است، اما آنچه مهم‌تر است اراده‌هایی است که می‌خواهند برجام را اجرا کرده و آن را به نتیجه برسانند.

## نتیجه‌گیری

گزارش آژانس در مورد «موضوعات حال و گذشته» یا «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران، مانند تمام گزارش‌های پیشین این نهاد در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، دوپهلوی و دارای ابهامات و تناقضاتی است. با این حال، این گزارش نسبت به گزارش‌های سابق، مثبت‌تر است و راه را برای بستن پرونده ابهامات برنامه هسته‌ای ایران، که در طول بیش از یک دهه گذشته باعث فشارهای اقتصادی و سیاسی عمده‌ای علیه کشورمان شده، باز کرد. با صدور قطعنامه شورای حکام، بسته شدن پرونده «موضوعات حال و گذشته» یا «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران، روند منتهی به اجرای برجام را تسریع کرد. در مجموع، خاتمه یافتن موضوع پی‌ام‌دی، آغازگر مسیر جدیدی پیش‌روی همکاری‌های ایران و آژانس و همچنین شروع مرحله نوینی در سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی ایران خواهد بود.

